

ادبیات

بانام وعکس دیگران تجارت نکنید!

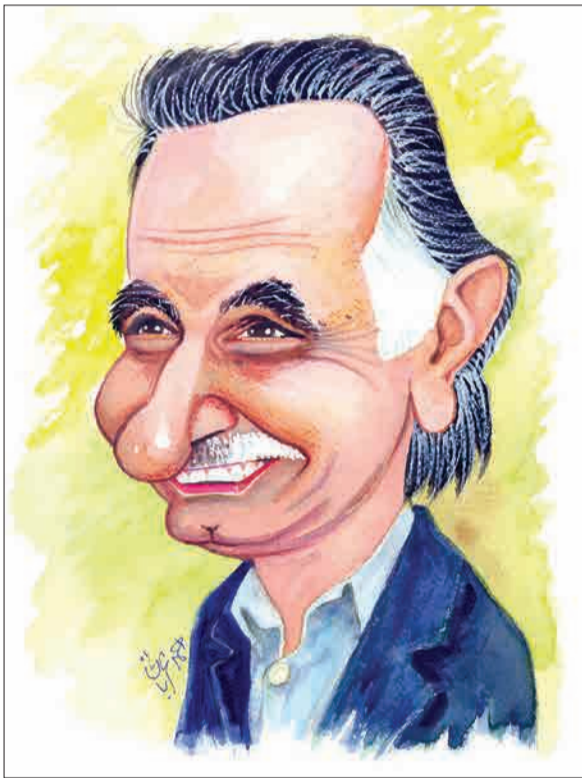
«دختر هوشنگ ابتهاج (سایه) نسبت به انتشار متنی جعلی در فضای مجازی که به پدرش نسبت داده‌اند، اعتراض کرد

[شهروند] ماجرا به متنی برمی‌گردد که چند وقتی است در فضای مجازی دست به دست می‌شود و زیر آن نوشته «سایه»! متن درباره موضوع مواجهه زال (پدر رستم) و سیمیرغ است؛ زمانی که سیمیرغ به زال یکی از پرهایش را می‌دهد و به او می‌گوید زمانی که در موقعیتی خطرناک گرفتار شد، می‌تواند این پسر را آتش بزند تا سیمیرغ راه چاره را به آن‌ها نشان بدهد. زال یک بار در ماجرای به دنیا آمدن فرزندش رستم، دست به دامن سیمیرغ می‌شود و پسر را آتش می‌زند چراکه احتمال از دست رفتن مادر هنگام زایمان می‌رود. بار دیگر هم در ماجرای مواجهه اسفندیار و رستم، پسر را آتش می‌زند و از سیمیرغ مدد می‌طلبد. اما در متن جعلی که به سایه نسبت داده‌اند نوشته شده پسر سوم چه زمانی استفاده شد؟ بعد هم آمده: «راز سر به مَهْری که فردوسی قرن‌هاست آن را پنهان کرده، اینجاست. فردوسی تکلیف پسر سوم را مشخص نکرده است.» در ادامه هم تحلیلی درباره این راز مکتوم اضافه شده و نوعی خیال پردازی به ماجرا اضافه شده بود و توییت شده بود: «آری، ماوارثان پسر سوم سیمیرغ ایم.»

تمام اینها در حالی است که پژوهشگران و شاهنامه‌پژوهان اشاره کرده‌اند سیمیرغ فقط سه پسر به زال نداد بلکه در دیدارهای دیگر هم پرهایی برای آتش زدن و کمک طلبیدن داده بود. با این حال عده‌ای گمان کرده‌اند که این متن واقعا متعلق به سایه است و انتقادهایی به این شاعر کرده بودند. در این میان دختر شاعر هم متنی منتشر کرده و به این‌گونه مطالب جعلی و استفاده از نام شاعران بزرگ، انتقاد کرده و آن را «تجارت» با نام این گروه خوانده است. بلدا ابتهاج نوشته: «این روزها دانما باید جواب پیام‌های مشابهی را بدهم که چند ماه پیش هم دست به دست می‌شد و اجبارا اینجا و در صفحات مجازی ام مطلبی نوشتم. عده‌ای بی‌کار و بیمار ظاهرًا هر از چندی دست به این کار می‌زنند و باعث زحمت دیگران می‌شوند. رسم روزگار ماست که این افراد به عمد مطالب جعلی را با اهداف مشخصی در صفحات مجازی منتشر می‌کنند که قصد و هدف مشخص در پس این کارها به خوبی دیده می‌شود. من به سهم خودم بارها به جعلی بودن این مطالب اشاره کرده‌ام. بخصوص مطالبی که از جانب سایه و همچنین درباره سایه منتشر می‌شود. همان‌طور که بارها توضیح نوشته‌ام آثار و گفته‌های ایشان تنها در کتاب‌های‌شان و فیلم‌های شب شعرهای‌شان انتشار یافته است. یک بار دیگر این‌جا یادآوری می‌کنم: مطلبی که درباره پسر سوم و فردوسی دست به دست می‌شود جعلی است!»



حالا دیگر جایی بود که می‌شد انتقادات تندوتیزی به دولت و وزرای آن داشت، هرچند که نام این انتقادهار «سازنده» می‌گذاشتند و برخی نیز با نسبت دادن گل آقا به بدنه اصلی نظام، طنزهای گل آقایی را کم‌اهمیت و تشریفاتی جلوه می‌دادند. این کلیشه ذهنی اما با فعالیت پرزنگ طنزپردازان و کاریکاتوریست‌های مطرح نشریه «توفیق» از منوچهر احترامی و عمران صلاحی تا محمدرافع ضیایی و ناصر پاکشیر رنگ و روی قابل اعتمادتری گرفت



واژه‌های دیگر، قیح شوخی یا طراحی کاریکاتور چهره مسئولان دولتی را تا اندازه‌ای کنار زد. کیومرث صابری فومنی «گل آقا» قطعا از چهره‌های شاخص بعد از انقلاب است که بررسی آثار و فعالیت‌های او می‌تواند موضوع بسیاری از پایان‌نامه‌های دانشجویی باشد. رویا صدر در مجموعه «طنزپردازان معاصر» و مجله مختص به کیومرث صابری فومنی «گل آقا» شناخت مختصر و مفیدی از گل آقا، زندگی، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و نمونه آثار او ارائه داده است. کتابی که با جلدی سبزه‌رنگ توسط «انتشارات گل آقا» منتشر شده که حالا دیگر نایاب است در این بازار آشفته نشر و کتاب و کاغذ. □

به یاد کیومرث صابری فومنی؛ آفریننده مجله‌ای که دوستش داشتیم

اخم در چننه گل آقا نیست

«گل آقا» در آبان ۱۳۶۱ به عنوان اولین مجله طنز آغاز به کار کرد. ۱۲ سال بعد در آبان ماه ۱۳۸۱ به کار خود خاتمه داد

[فاضل ترکمن، شاعر و طنزپرداز گفته بود:] یک زبان دارم، دو تاندان لق/ می‌زنم تا می‌توانم حرف حق/ و حرف حق می‌زد، حرف حساب... بدون اینکه در نظر بگیرد حرف حق او منافع جناح چپ را نشانه می‌گیرد یا جناح راست را. برای او این وسط (حرف حق) اهمیت داشت و دندان‌های لق را اگر حتی نمی‌گنجد دور نمی‌انداخت، درمان می‌کرد می‌گفت: «طنز چاقوی جراحی است؛ نه کارد سلاخی/ و تا حدود زیادی چه در قامت (سوپاپ اطمینان) و چه در قامت مستعار (گل آقا) جایگاه و پایگاه (طنز و کاریکاتور) را بعد از انقلاب حفظ کرد. مجموعه یادداشت‌های (دو کلمه حرف حساب) که از دی ماه سال ۱۳۶۳ در صفحه سوم روزنامه (اطلاعات) منتشر می‌شد، از محدود روزنه‌های روشن و امیدوارکننده مطبوعات بوده؛ آن‌هم در سال‌هایی که جنگ با بحث‌های ایدئولوژیک مختلف، مجالی برای شوخ‌طبعی و کمتر جدی‌گرفتن دنیا و آدم‌هایش باقی نمی‌گذاشت.

گل آقا در چنین شرایط خشک و اخمویی سرخ خلق کاراکترهایی خیالی با مختصات اخلاقی خاص خودشان رفت: «شاغلام»، «غضنفر»، «مصداق»، «کمینه عیال ممصداق» و... تا مقدمه‌ای باشد برای ایجاد ظرفیت و خلاقیت طنز و شوخ‌طبعی در سال‌های پس از انقلاب. دو کلمه حرف حساب اگرچه شامل مهم‌ترین طنزهای منثور و منظوم گل آقا در کارنامه کاری او است، اما صابری با تاسیس «موسسه گل آقا» و به‌طور مشخص آغاز انتشار «هفته‌نامه گل آقا» در نخستین روز آبان‌ماه ۱۳۶۹ به هدف و غایت نهایی خودش رسید. نخستین نسخه هفته‌نامه گل آقا با قیمت ۱۵ تومان منتشر و خیلی زود نایاب و سپس تجدید چاپ شد. یک جور قدرت نامایی طنز و ابزار وجود و ظهور دوباره او که خیلی‌ها آن را بعید می‌دانستند. حالا دیگر جایی بود که می‌شد انتقادات تندوتیزی به دولت و وزرای آن داشت، هرچند که نام این انتقادهار «سازنده» می‌گذاشتند و برخی نیز با نسبت دادن گل آقا به بدنه اصلی نظام، طنزهای گل آقایی را کم‌اهمیت و تشریفاتی جلوه می‌دادند. این کلیشه ذهنی اما با فعالیت پرزنگ طنزپردازان و کاریکاتوریست‌های مطرح نشریه «توفیق» از منوچهر احترامی و عمران صلاحی تا محمدرافع ضیایی و ناصر پاکشیر رنگ و روی قابل اعتمادتری گرفت. انگار موسسه گل آقا با هر نسبتی و صفتی که به آن می‌دادند، تنها گلستان کوچک این برهوت بی‌آب و علف بود که روشن‌فکران نیز صلاح نمی‌دیدند رهایش کنند و تنها پیش بگذارند. یکی از دستاوردهای بزرگ کیومرث صابری فومنی همین است؛ همین که با سیاست و کیاست؛ نویسندگان، منتقدان، طنزپردازان و مخاطبان مختلفی را از احزاب مختلف و با عقاید و ایدئولوژی‌های متنوع در کنار هم جمع کرد. هفته‌نامه گل آقا حالا دیگر تبدیل به تریبون شده بود که از طرفی برانداز به نظر نمی‌رسید و احتمال توقیف آن وجود نداشت و از طرفی دیگر می‌توانست صدای اپوزیسیون و گروه‌های منتقد دولت باشد. بگذریم از اینکه گاهی این نقدها بیشتر گریبانگیر کاراکتری مثل دکتر حسن حبیبی می‌شد که از قضا گل آقا با او رفاقت داشت و کاریکاتوریزه کردن او تا این حد و اندازه در نظر خواص، بیشتر به محبوب کردن این چهره ختم می‌شد تا زیر سوال بردن او و انتقاد به فعالیت‌های کاری‌اش، به‌هرحال مجموعه شوخی‌ها و کاریکاتوره‌ای احمد عربانی و هفته‌نامه گل آقا که بعدها توسط همین انتشارات در قالب کتاب نیز منتشر شد، مورد استقبال عوام قرار گرفت

ورزشی شهروند
www.shahrvand-newspaper.ir

گوشه وکنار

حمله کرونا به ستاره‌های ورزش ایران

طی روزهای اخیر تعدادی از ستاره‌های ورزش ایران به ویروس کرونا مبتلا شدند و ورزش وارد کرده است.

افزایشی بودن آمار تعداد مبتلایان به کرونا در ایران، این موضوع در بین ورزشکاران هم کاملاً نمود پیدا کرده است. طی روزهای اخیر خیلی از ورزشکاران مطرح ایران در رشته‌های مختلف با تست مثبت کرونا خود مواجه شدند و به قرنطینه رفتند؛ اگرچه تاکنون خوشبختانه اتفاق ناگواری برای هیچ کدام از آنها رخ نداده است. اول از همه نوبت آرش میراسماعیلی، قهرمان سابق و رئیس فعلی فدراسیون جودو بود که از ابتلای خود به کرونا خبر دهد. بعد از او حمید سوریان، پرافتخارترین کشتی‌گیر تاریخ ایران و نایب رئیس فعلی فدراسیون هم با مثبت شدن تست خود به قرنطینه رفت. این موضوع اما مختص قهرمانان سابق نبود و در روزهای اخیر تعدادی از قهرمانان فعلی ورزش ایران هم درگیر این ویروس شدند. صمد نیکخواه بهرامی، کاپیتان تیم ملی بسکتبال یکی از همین نفرات بود که به خاطر ابتلایش به کرونا نتوانسته در تمرینات تیم باشگاهی اش حاضر شود و در قرنطینه به سر می‌برد. او البته از بهبود وضعیت خود خبر داده و گفته به زودی به تمرینات تیم همراه اضافه خواهد شد. سید محمد موسوی، ستاره تیم ملی والیبال دیگر فردی بود که در روزهای اخیر تست کرونایش مثبت شده و در تمرینات تیم سایپا حاضر نمی‌شود. جالب اینکه این بازیکن با تجربه تیم ملی والیبال در آستانه انتقال به تیم پیاچنرای ایتالیا بود و ابتلاش به کرونا فعلا این انتقال را متوقف کرده است. احسان رزبهبانی، کاپیتان تیم ملی بoks هم در آستانه شروع اردوی این تیم در کیش، علائم کرونا در بدنش بروز کرده و فعلا به قرنطینه رفته است. البته گفته می‌شود جواب تست قطعی رزبهبانی فردا می‌آید، اما احتمالاً او اردوی کیش را به دلیل ابتلا به کرونا از دست می‌دهد. سیدرضا صالحی امیری، رئیس کمیته ملی المپیک را هم باید به این جمع اضافه کرد که طی روزهای اخیر به کرونا مبتلا شده و در قرنطینه است. در خبری که کمیته ملی المپیک به مثبت شدن تست او بعد از دیدار با یکی از قهرمانان اشاره کرده بود که به‌نظر حمید سوریان مدنظر بوده است. □



به نظر می‌رسد وزارت ورزش قصد دارد برای مدیریت منابع فدراسیون‌ها دخل و خرج آنها را در همه زمینه‌ها زیر نظر بگیرد تا در شرایطی که ورزش به مشکلات اقتصادی برخورد کرده، خرج اضافی در هیچ زمینه‌ای صورت نگیرد.

سقف قرارداد به تیم‌های ملی رسید!

وزارت ورزش قصد دارد برای همه فدراسیون‌ها سقف قرارداد تعیین کند

مرتضی فلاح، مدیرکل امور حقوقی وزارت ورزش و جوانان، از طرح جدید وزارت ورزش برای قراردادهای فدراسیون‌های ورزشی خبر داد و گفت: «به دنبال راهکاری بودیم تا سقفی را برای قراردادهای فدراسیون‌های ورزشی مختلف چه در حوزه انعقاد قرارداد با مربیان و چه در سایر بخش‌ها نظیر اسپانسرینگ، قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی، قرارداد با کارگزار، امور خدماتی و... متناسب با ظرفیت هر رشته ورزشی تعیین کنیم. بنابراین اگر قراردادهای منعقد شده از سوی فدراسیون‌های ورزشی در بخش‌های مختلف بالاتر از سقف تعیین شده از سوی وزارت ورزش و جوانان باشد باید از باب مشورت و نه از باب دخالت نظر اداره کل امور حقوقی وزارتخانه احصاء شود.» به نظر می‌رسد وزارت ورزش قصد دارد برای مدیریت منابع فدراسیون‌ها دخل و خرج آنها را در همه زمینه‌ها زیر نظر بگیرد تا در شرایطی که ورزش به مشکلات اقتصادی برخورد کرده، خرج اضافی در هیچ زمینه‌ای صورت نگیرد. در واقع جذب مربی گرانقیمت خارجی چه در فدراسیون فوتبال و چه در سایر رشته‌ها باید با مجوز وزارت ورزش صورت بگیرد؛ اگر چه پیش از این هم کمیته‌ای از این هم مجوز وزارت ورزش تشکیل شده بود تا مربیان خارجی وارداتی را به ایران از نظر فنی تأیید کند. □

[شهروند] بعد از اینکه در سال‌های اخیر در بحث باشگاهی طرح‌هایی مبنی بر سقف قرارداد مطرح شد، حالا گویا نوبت به تیم‌های ملی رسیده است. وقتی صحبت از (سقف قرارداد) می‌شود، همه به یاد دوران ریاست عزیز محمدی در سازمان لیگ فوتبال می‌افتند که سقف قرارداد ۳۵۰ میلیون برای بازیکنان تعیین شد، اما خیلی زود خود مسئولان فوتبال هم فهمیدند که این طرح شکست خورده است. رد و بدل شدن پول‌های زیرمیزی و دادن اتمومبیل یا حواله به بازیکنان باعث شد تا بعد از مدتی ماجرای سقف قرارداد به فراموشی سپرده شود. البته در سال‌های اخیر نه تنها در فوتبال بلکه در سایر رشته‌ها هم این پیشنهاد مطرح شده، اما با مخالفت جدی بازیکنان و مربیان مواجه شده است. از آنجا که مشکلات اقتصادی به ورزش فشار زیادی وارد کرده، این بار حالا نوبت به وزارت ورزش رسیده تا به ماجرای سقف قرارداد ورود کند. گویا این وزارتخانه قصد دارد به طور کلی برای همه فدراسیون‌های ورزشی سقف قرارداد در همه زمینه‌ها تعیین کند و بدین ترتیب احتمالاً جذب مربیان خارجی یا داخلی برای تیم‌های ملی هم باید در چارچوب این سقف قرار بگیرد.

